

مرور خاطرات معلمی که محله بهشتی را خانه خود می‌داند

اشتباه شیرین مجری!

محله‌گردی

ایستگاه اول



به دلیل نزدیکی خانه به بوستان کوهسنگی، زیاد به اینجارتفت و آمد دارم. یک بار برای شرکت در مراسمی به گرادیان آمده بودم بسیاری از والدین دانش آموزانم به احترامم بلند شدند و دست دادند. مجری با تصور اینکه من باید مسئول باشم حضورم را خیر مقدم گفت که با اشاره دست به او فهماندم مسئول نیستم.

نجمه موسوی زاده هر بار قدم زنان از پیاده‌روهای محله می‌گذرد، با سلام و احوال پرسوی گرم اهالی روبه‌رو می‌شود. رمضانعلی اخروی مایوان که حدود پانزده سال پیش از قوچان به مشهد آمده است، حالا دیگر به عنوان چهره‌ای دوست داشتنی در محله بهشتی شناخته می‌شود. سال‌ها مدیریت دبیرستان پسرانه شهید عبدا... نژاد و خاطرات خوشی که از تدریس، مدیریت و زندگی در این محله دارد، همیشه برایش شیرین است و هر بار که آن‌ها را مرور می‌کند، لبخندی گرم بر لبانش می‌نشیند.

شاید خیلی از مشه‌دی‌ها هم ندانند مقبره سادات رضوی کجاست، ولی برای من جایی دوست داشتنی است. یک بار با هماهنگی با مدیریت مقبره، همراه با چند نفر از اهالی برای غبارروبی و نظافت به این مقبره آمدم و حس و حال خوشی را تجربه کردم.

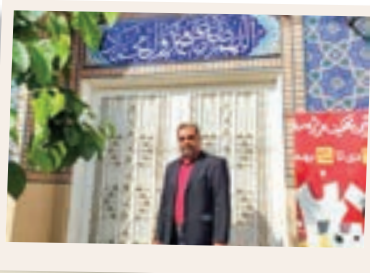
ایستگاه دوم



ایستگاه سوم



ایستگاه چهارم



ایستگاه پنجم

سال‌های اولی که به مشهد آمده بودم، در خیابان بهشتی خانه‌ای اجاره کردم. آن موقع بولواری در وسط خیابان اصلی نبود. یادم است وقتی پشت فرمان می‌نشستم، باترس دعامی خواندم و صلوات می‌فرستادم که ماشین روبه‌رو به مانژند و سالم عبور کنیم.

از بهترین لحظاتم در این محله، مراسم شب‌های قدر در مسجد امام هادی^(ع) است. سال اولی که همسایه مسجد شده بودم، همراه چند نفر از اهالی برای افطار نمازگزاران نان، پنیر و خرما تهیه و در مسجد توزیع کردیم.

محمد رضا میرنامی، نانوای خوش‌برخورد محله است که علاوه بر اینکه نان خوب دست مردم می‌دهد، هوای نیازمندان را هم دارد. همیشه این خصوصیتش برایم محترم بوده است.

بانگاه کردن به تابلوی دبیرستان شهید عبدا... نژاد، یاد روزی می‌افتم که پشت میز کارم نشسته بودم و از دوربین مدرسه، مرد جوانی را دیدم که به تابلوی مدرسه نگاه می‌کند و اشک می‌ریزد. بیرون رفتم و به داخل مدرسه دعوتش کردم. آن جوان کارت شناسایی‌اش را نشانم داد و گفت فرمانده کشتی تجاری است و خاطرات بسیار خوشی از این مدرسه دارد که حالا با یادآوری آن‌ها نتوانسته است خودش را کنترل کند.

